



شوراهای اقتصادی شهروندی؛ ابزار مردمی‌سازی حق‌های اقتصادی شهروندان (نگاهی به تجربه انگلستان)

زهرامری^{۱*}، احمد خسروی^۲

۱. استادیار، حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

۲. استادیار، حقوق عمومی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

چکیده

کسانی که تحت تأثیر آثار منفی تصمیمات اقتصادی هستند، اغلب کسانی هستند که کمترین قدرت و توانایی را برای تأثیرگذاری بر آن دارند. مطابق آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در ایران، درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق در کشور در سال ۱۴۰۰ برابر ۳۰/۴ درصد بوده است. در حالی که دو موضوع فقر و نبود مشارکت شهروندان در اقتصاد از هم متمایز هستند، بسیاری براین نظرند که محرومیت اقتصادی با ناتوانی در دسترسی، نفوذ و تعامل با اقتصاد تداوم می‌یابد. نویسندگان در این مقاله که به روشی تحلیلی-توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است به این نتیجه رسیده‌اند که دموکراتیک‌سازی اقتصاد از جمله راه‌های برون‌رفت از چرخه معیوب استمرار فقر است و بدین منظور تشکیل شوراهای اقتصادی شهروندی و عینیت‌بخشی به آن در چهارچوب قانون می‌تواند اثرگذار باشد. تشکیل این شوراها می‌تواند منتهی به تقویت توانایی شهروندان برای اثرگذاری بر سیاست‌های اقتصادی ملی و محلی و تقویت مشروعیت و اعتبار سیاست‌گذاری اقتصادی

E-mail: z.ameri@ub.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله



Copyright© 2024, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms



گردد. در کارآمدنمودن فعالیت این شوراهای، وجود منابعی برای توانمندسازی شوراهای، مانند اعطای حقوق سیاسی و قانونی به آنها، تخصیص بودجه و فراهم‌سازی ظرفیت اجتماعی مورد نیاز برای ایجاد شبکه‌های گسترده‌تر مشورتی ضروری است.

کلمات کلیدی: مشارکت شهروندان، دموکراسی اقتصادی، مشارکت اقتصادی، شورای اقتصادی شهروندی

۱. مقدمه

مشارکت شهروندی یا مشارکت عمومی به سازکارهای متفاوتی اشاره دارد که عموم مردم می‌توانند بدان وسیله نظرات خود را بیان کنند و در حالت ایده آل در مورد تصمیمات مختلف اعمال نفوذ داشته باشند. تصمیم‌گیری مشارکتی می‌تواند در هر حوزه‌ای از فعالیت‌های اجتماعی انسانی، از جمله اقتصاد، سیاست، مدیریت، فرهنگ و... صورت گیرد. در میان این حوزه‌های مختلف، اقتصاد موضوعی است که عموم مردم آن را واجد اهمیت اولیه می‌دانند، اما احساس می‌کنند اختیار و قدرت کمی در مورد آن دارند. بسیاری از شهروندان احساس می‌کنند که زندگی‌شان ناامن و مخاطره‌آمیز و وضعیت اقتصادی آنها منبع دائمی نگرانی، استرس و اضطراب است. لزوم بهره‌مندی از حقوق اقتصادی گرچه در مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین در قوانین داخلی اکثر کشورها به عنوان بخشی از حقوق بشر افراد شناسایی و به رسمیت شناخته شده لیکن مشاهده وضعیت فعلی نشان می‌دهد برخی از دولت‌ها در تأمین این حقوق با چالش‌های عمده روبرویند. درآمد کم، نبود مسکن با کیفیت، عدم امنیت شغلی و کاهش دسترسی به خدمات عمومی بر افراد، خانواده‌ها و روابط اجتماعی فشار وارد می‌کند. این نگرانی‌ها مستقیماً بر سلامت جسم و روان افراد اثر می‌گذارد. نابرابری‌هایی که افراد تجربه می‌کنند، فقدان قدرتی که احساس می‌کنند و عدم اعتمادی که به صاحبان قدرت دارند منجر به اضطراب، ناامیدی و نارضایتی گسترده‌تر از نظام اقتصادی و سیاسی می‌شود. بروز بحران مشروعیت در کشورهایی که در آنها بخش عظیمی از جمعیت با مشکلات اقتصادی روبروست نتیجه همین وضعیت است. برخی بروز این وضعیت و نتایج مترتب بر آن را به دلیل



سیاست‌گذاری انحصاری صاحبان قدرت در عرصه اقتصادی و بی‌توجهی آنان به نقش مردم در تدوین و اجرای برنامه‌ها و حقوق اقتصادی می‌دانند که به طور مستقیم بر آن‌ها اثرگذار است و معتقدند در حالی که دو موضوع محرومیت‌های اقتصادی و نبود مشارکت شهروندان از هم متمایز هستند، اما این حس وجود دارد که محرومیت اقتصادی با ناتوانی در دسترسی، نفوذ و تعامل با اقتصاد تداوم می‌یابد (Patel and Gibbon, 2017:18). به عبارتی هرچقدر میزان مشارکت عمومی در اقتصاد پایین‌تر باشد به همان نسبت فرض محرومیت از حقوق اقتصادی تشدید می‌شود. اقتصاد خوب فقط اقتصاد مدیران، کارگران و مصرف‌کنندگان نیست، بلکه اقتصاد شهروندان است. سیاست بهتر اقتصادی و شانس موفقیت بیشتر در پیگیری آن سیاست، ناشی از فرهنگ عمومی‌تر اقتصاد است؛ فرهنگی که در آن قدرت به طور یکنواخت‌تر بین بازیگران اقتصادی، از جمله سازمان‌های خصوصی، مدنی و عمومی و مردم در نقش کارگران، مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و شهروندان توزیع می‌شود.

با توجه به همین موضوع، هدف ما در این مقاله این است که با مطالعه تجربه کشور انگلستان، به بحث در این مورد بپردازیم که چگونه و با چه سازکاری اجرای حقوق اقتصادی شهروندان می‌تواند در جهت دموکراتیک‌تر و برابری خواهانه‌تر دگرگون گردد؟ دولت‌ها چگونه می‌توانند با استفاده از ابزارها و سازکارهای مشارکتی روند تحقق حقوق اقتصادی شهروندان را ساده‌تر و عملیاتی‌تر کنند؟ به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین سازکارها در این خصوص تشکیل شوراهای اقتصادی مردمی می‌باشد و دولت‌ها همانند امور سیاسی و اجتماعی، در امور اقتصادی نیز می‌توانند از مردم و بخش خصوصی در جهت مشارکت هر چه بیشتر کمک گیرند که این امر ضمن مشروعیت بخشی به قدرت دولت، احساس مسئولیت و عدالت اقتصادی را ارتقا خواهد بخشید.

۲. پیشینه تحقیق

توجه به تشکیل شوراهای اقتصادی شهروندی به عنوان سازکار دموکراتیک‌سازی اقتصاد تا به حال موضوع بحث و بررسی هیچ مقاله فارسی



نیوده‌است. به‌طور کلی مقالات فارسی که در مورد مشارکت مردم در اقتصاد باشد اندک‌اند و در اغلب مقالات، تأکید بر ارائه مباحثی در باب لزوم مشارکت و پیامدهای آن است و به سمت ارائه راهکار عملی برای تحقق این مشارکت نرفته‌اند. در زیر به برخی از این مقالات اشاره می‌شود:

حبیبی و نصرآبادی (۱۳۹۶) در مقاله بررسی اولویت‌های نهادی برای رفع موانع کلیدی مشارکت مردم در جهاد اقتصادی، به بررسی موانع عمومی مشارکت پرداخته‌اند.

حسینی و سلیمانی (۱۳۹۸) در مقاله الگوی مشارکت مردم در اقتصاد با تأکید بر اندیشه امام خمینی، با بررسی بیانات رهبر فقید انقلاب فراهم کردن شرایط علی و تحقق شرایط زمینه‌ای را شرط عملیاتی شدن مشارکت مردم دانسته‌اند اما از هیچ نمونه روشنی سخن نگفته‌اند.

مقالات دیگر مانند قربانی و همکاران (۱۳۹۷)، شفیعا و موسوی (۱۳۹۲)، بردی آنا مرادنژاد و همکاران (۱۳۹۲) همه از لزوم مردمی‌شدن اقتصاد سخن گفته‌اند و به تناسب بحث تمرکز خود را بر شناخت مؤلفه‌هایی که تحقق اقتصاد مردمی بدان وابسته است معطوف کرده‌اند.

احمدی بنی و همکاران (۱۴۰۱) در موضوعی با عنوان اصل مردم‌محوری با تأکید بر تعاونی‌ها در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، تعاونی‌ها را به عنوان تشکلهای اقتصادی و اجتماعی دارای توان و ظرفیت لازم برای سازماندهی اقشار و گروه‌های مختلف مردمی در جهت ایجاد توسعه انسانی پایدار و مردم‌محور نمودن اقتصاد دانسته‌اند.

وجه تمایز این پژوهش نسبت به پژوهش‌های برشمرده، گذر از بیانات کلی در خصوص لزوم دموکراتیک‌سازی اقتصاد و ارائه یک الگو و مدل مشخص برای تحقق مردمی‌سازی در قالب تشکیل ساختار جدیدی به عنوان شورای اقتصادی شهروندی است. نویسندگان با معرفی این مدل مشخص در انگلستان تلاش کرده‌اند تا زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری آن را در نظام اقتصادی ایران بیان کرده و پیشنهادهای لازم به منظور عملیاتی شدن تشکیل این شوراها را ارائه‌دهند.



۳. مفهوم‌شناسی

در جهت تبیین موضوع لازم است تا نخست واژگان و اصطلاحات مربوطه تبیین معنایی شوند و مراد نویسندگان از به‌کارگیری این عناوین مشخص شود.

الف) مشارکت: در خصوص مشارکت اتفاق نظر وجود ندارد و به عبارت دیگر می‌توان گفت مشارکت از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. چنان‌که عده‌ای مشارکت را توزیع قدرتی که امکان مشارکت شهروندان را فراهم کند (Chang, 2011: 39)، عده‌ای آن را مشورت‌دادن قبل از تصمیم‌گیری (شرفی و مولایی، ۱۳۸۸؛ ۸۹) و برخی نیز درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های مختلف دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۷۲؛ ۳۸) اما تعریف مرتبط و جامعی که از مفهوم مشارکت شده است را می‌توان همکاری متعهدانه مردم برای انجام و اصلاح امور عمومی، برآورده کردن نیازهای جامعه و تحقق ارزش‌های عمومی تعریف کرد (حبیبی و باقری، ۱۳۹۶: ۱).

ب) دموکراسی اقتصادی: این مفهوم گرچه ارتباط وثیقی با دموکراسی سیاسی دارد اما تفاوت‌های بنیادین با دموکراسی سیاسی دارد. دموکراسی سیاسی با شعار «هر فرد یک رأی» شناخته و شروع می‌شود، اما دموکراسی اقتصادی کمتر ملموس بوده و در حالت ایده آل خود به معنای «سه سهامدار، یک صدا» تعبیر می‌شود. کارگران، مخترعین و ارائه‌دهندگان خدمات، نوع مشارکتی متفاوت از مشارکت مردم در دموکراسی سیاسی دارند. لذا قواعدی که به آنان اجازه مداخله می‌دهد متفاوت است (Gaughey, 2023: 4) دموکراسی سیاسی مبتنی بر این اصل که هر فرد یک رأی دارد بوده و در سیاست‌های ملی این اصل به راحتی اعمال می‌شود، اما اینکه چگونه این ایده که هر فرد یک رأی دارد را می‌توان در دنیای اقتصاد ترجمه کرد محل بحث دارد. به گفته پاول ساموئلسون بازار نوعی فرایند انتخاباتی است که در آن دلارها مانند رأی عمل می‌کنند. زمانی که یک مشتری خرید می‌کند یا تاجری سرمایه‌گذاری می‌کند، دلارهایش عملکردی همانند رأی به نفع کسی که آن‌ها انتخاب کرده‌اند دارد؛ اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که دلارها برخلاف آراء، به صورت



برابر بین شهروندان توزیع نشده است (Paul Samuelson as cited in Blockburn, 2007: 36) در این فضای نابرابر باید به گونه ای عمل شود که اصول دموکراسی، از جمله آزادی، برابری و پاسخگویی تضمین گردد و نقش میان حکومت و بخش خصوصی متعادل شود (Dharma and Rahmi, 2012: 355).

ج) حق های اقتصادی: علی رغم اختلاف نظر در خصوص حق تلقی کردن نیازهای رفاهی - اقتصادی، عده ای معتقدند به این دلیل که اولاً؛ عموماً کالاهای رفاهی برای بقای انسان نیاز است، ثانیاً؛ استناد به حق ها با ماهیت تعهد هر جامعه ای در تدارک رفاه برای اعضای خود مرتبط است، ثالثاً؛ با حق تلقی کردن و پایبندی به آن بالضروره باید حق های رفاهی را به رسمیت بشناسیم و رابعاً نیازهای اقتصادی به اندازه هر نیاز یا موقعیت دیگری مهم است و بیماری، سوءتغذیه و امثال آن به اندازه هر گونه انکار آزادی های سیاسی و درونی موجب نگرانی است و عدم توجه به مشکلات مزبور، می تواند توهین آشکاری به شرافت انسانی و قصوری باشد در جدی گرفتن ارزش بی قید و شرط هر انسانی، لذا می بایست آن ها را حق تلقی کرد (همتی، ۱۳۸۶؛ ۱۴۹) حقوق و آزادی های متعددی در جهت حمایت از ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان ها مورد شناسایی قرار گرفته و در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ به تصویب رسیده است؛ اما بعدها در خلال تدوین پیش نویس میثاقی برای حقوق بشر، مباحثی مطرح شد که به جهت تفاوت در ماهیت و منشأ حق ها و پاره ای ملاحظات سیاسی، ترجیح داده شده تا در دو دسته کلی حقوق شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقابل حقوق مدنی و سیاسی به طور مجزا مورد شناسایی قرار گیرند (توتونچیان، ۱۳۹۸: ۶۰). لذا بعد اقتصادی همانند سایر ابعاد زندگی انسان یکی از وجوه تأثیرگذار بر مقوله حقوق بشر به شمار می رود.

۴. ملازمه میان دموکراسی سیاسی و دموکراسی اقتصادی

دموکراسی که از دو واژه یونانی "demos" به معنای مردم و "cratos" به معنای حکومت تشکیل شده (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳: ۱۲۱) به معنای حاکمیت



مردم است. گرچه مدل‌های مختلفی از دموکراسی ارائه شده است (Haas, 2019: 317-329) اما همه انواع دموکراسی به نوعی مشارکت مردم اشاره دارد. حوزه‌های مشارکت مردم هر روز افزوده می‌شود. امروزه این مشارکت را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، قضایی، اقتصادی و امثال آن می‌توان مشاهده کرد. در حوزه اقتصادی و با تأکید بر مشارکت و مشورت، برخی سخن از دموکراسی اقتصادی می‌کنند و آن را نظامی می‌دانند که در آن تصمیمات اقتصادی مطابق با یک روش دموکراتیک اتخاذ می‌گردد (Bouckaert and Arena, 2010: 53). مفهومی که آن را مکمل دموکراسی سیاسی می‌دانند (رنانی، ۱۳۸۲: ۳۷). حتی اگر قائل به دموکراسی مستقل اقتصادی نباشیم باز هم می‌توان گفت ارتباط تنگاتنگی بین دموکراسی و اقتصاد وجود دارد. به طوری که دوام هر ساختاری سیاسی چه ساختار دیکتاتوری و چه دموکراسی به رشد و توسعه و کیفیت سیاست‌های اقتصادی دولت وابسته است و عملکرد اقتصاد نیز هم در مرحله تدوین سیاست‌های اقتصادی و هم در مرحله اجرا به ماهیت ساختار سیاسی کشور وابسته می‌باشد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲). مشروعیت سیاسی دولت، لازمه رشد پایدار و پیوسته اقتصاد و موجب ثبات سیاسی، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، جلب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی و در نهایت افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. همچنین دموکراسی با کنترل رفتار سیاستمداران و احزاب سیاسی مانع از اتخاذ سیاست‌های نامتعادل و نادرست سیاستمداران می‌شود. در صورت اتخاذ سیاست‌های نادرست، دموکراسی با تعیین روشی مسالمت‌آمیز برای تغییر دولت، هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی نادرست را کاهش داده و موجب افزایش ظرفیت بلندمدت اقتصاد می‌شود (زمانی، ۱۳۸۳: ۲۲). می‌توان گفت گرچه سیاست شامل فعالیت‌ها و نهادهایی می‌شود که به تصمیم‌گیری‌های عمومی آمرانه برای کل جامعه مربوط می‌شود اما اقتصاد را می‌توان مجموعه‌ای از روابط بین افراد دانست که متمایز از روابط اجتماعی‌ای هستند که افراد را به لحاظ سیاسی یا شخصی به هم پیوند می‌زند. اگر اقتصاد را به معنای محاسبه اقتصادی بکار ببریم، سیاست به یکی از



مواضع کاربست این محاسبه تبدیل می‌شود. اقتصاد شیوه‌ای از عمل کردن و سیاست جایی برای عمل کردن است (کاپوراسو و لوین، ۱۳۸۷: ۵۲-۵۴)؛ بنابراین گرچه مسائل اقتصادی و مشارکت اقتصادی متفاوت از مشارکت سیاسی و اجتماعی است اما بی‌تفاوت نسبت به یکدیگر نبوده و بر هم تأثیرگذار هستند و در واقع می‌توان گفت مکمل یکدیگر محسوب شده و دموکراسی اقتصادی به عنوان مکمل دموکراسی سیاسی عمل می‌کند.

با توجه به این پیوند دولت‌ها باید تلاش نمایند تا اقتصاد را به بهترین نحوه ممکن مدیریت نمایند. البته این موضوع از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته و مدیریت دولتی نوین جایگزین مدیریت دولتی سنتی شده است. در مدیریت جدید تلاش شده تا با بهره‌گیری از دانش و تجربه مدیریت بخش خصوصی کارایی، اثربخشی و بهره‌وری خدمات عمومی در سازمان‌های دولتی ارتقا یابد و به عبارت دیگر مدیریت دولتی بر پایه به‌کارگیری اصول بازار در خط‌مشی‌گذاری و مدیریت دولت استوار گردد. در همین زمینه یکی از مهم‌ترین تحولات بخش خصوصی را می‌توان دموکراسی اقتصادی در شرکت‌های تجارتی دانست. برخلاف نظریات سنتی حقوق شرکت‌ها یعنی سهامدارمحوری که مطابق آن سهامداران مالک اصلی شرکت بوده و حقوق آن‌ها محور اصلی اهداف و تصمیمات شرکت بود، نظریه پیشرو یعنی ذینفع گرایی، در کنار توجه به حقوق سهامداران به عنوان صاحبان سرمایه مالی شرکت، حقوق کارکنان شرکت را به عنوان صاحبان سرمایه انسانی مورد توجه قرار داده و مدیران را موظف کرده که بر اساس منافع پایدار و همه جانبه شرکت در تصمیمات خود به منافع کارکنان شرکت نیز توجه داشته باشد. طرفداران این دیدگاه معتقد به مشارکت و مداخله کارکنان در تصمیمات شرکت برای تحقق هدف خود بوده و برای نیل به این هدف راه‌کارهایی چون حضور نمایندگان کارکنان در سطح هیئت مدیره شرکت، ایجاد شورای کار در سطح شرکت برای مشورت و رایزنی، تقویت طرح‌های کارکنان سهامدار از طریق تخصیص بخشی از سهام شرکت به کارکنان و ایجاد حق تقدم کارکنان در خرید سهام را مطرح می‌کنند (بادینی، کوشکی، ۱۳۹۹: ۳۸۳).



۵. مشارکت شهروندی و حقوق اقتصادی

قرن بیست و یکم با دگرگونی‌های بالقوه زیادی مواجه است که یا ماهیت اقتصادی دارند و یا تأثیر قابل‌توجهی بر فعالیت‌های اقتصادی خواهند داشت. این دگرگونی‌ها در تضاد با ثبات و پیش‌بینی‌پذیری قرن بیستم پس از جنگ است. تخریب اکوسیستم، تنش کمبود منابع و تغییرات اقلیمی، تأثیرات شدید و غیرقابل پیش‌بینی فزاینده‌ای در جهان ایجاد کرده است. افزایش جمعیت منتهی به افزایش مهاجرت ناشی از درگیری، تغییرات آب و هوایی و جست‌وجو برای زندگی بهتر شده است. فن‌آوری‌های جدید مخرب هم ممکن است دنیای کار و ماهیت تولید و مصرف را به روش‌های چشم‌گیری تغییر دهد و در شدیدترین تأثیر خود، مجموع این اتفاقات منتهی به خطر افتادن یا لطمه به حقوق اقتصادی شهروندان گردد. برای حفظ ثبات اجتماعی و تأمین بهینه حقوق اقتصادی و اجازه دادن به جوامع برای شکوفایی در مواجهه با چنین تغییرات سریعی، نیاز به حمایت گسترده از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بهتر و کارآمدتر است. همچنین مسلماً به ایده‌های خلاقانه‌تر و مبتکرانه‌تری در مورد چگونگی سازمان‌دهی و مدیریت موفقیت‌آمیز اقتصادهای بازار نیاز است. گرچه عده‌ای را نظر بر این است که مشارکت شهروندان در عرصه اقتصادی - جدا از مشورت با ذینفعان خاص - می‌تواند چالش‌برانگیز و فاقد اعتبار باشند، زیرا شهروندان تفاوت‌های ظریف، مانند مبادله بین منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت سیاست‌ها را همچون افراد متخصص و خبره اقتصادی در نمی‌یابند (Holmes et.al, 2023: 28) اما در دیدگاهی غالب‌تر، دلایل زیادی - اعم از ذاتی و ابزاری - وجود دارد که اثبات می‌کند چرا بحث در مورد سیاست اقتصادی ارزشمند است. عمده‌ترین این دلایل را می‌توان در ارزشمندی ذاتی شنیدن صدای شهروندان، ارتقای شفافیت، تقویت دموکراسی و بحث، شکل‌دادن به تصمیمات سیاستی بهتر و آگاهانه‌تر برشمرد. مشارکت زمان و فضایی را برای درگیر شدن در بحث، گفتگو و استدلال فراهم می‌کند. همچنین باعث می‌شود تا درک بیشتری از زمینه‌هایی که افراد با آن موافق هستند و جایی که آن‌ها مخالف هستند، حاصل شود. ارزش‌ها، مفروضات و



قضاوت‌ها در مورد اقتصاد و آنچه که اقتصاد خوب را ایجاد می‌کند، ناگزیر از هم متفاوت خواهند بود. فرایندهای مشارکتی تضمین می‌کند که این تفاوت‌ها در دیدگاه‌ها بررسی شده و به تصویر کشیده می‌شود.

تقویت شفافیت دلیل موجه دیگری در پذیرش مشارکت است. سیاست اقتصادی حوزه‌ای پیچیده است که در آن به طور قابل توجهی عدم قطعیت وجود دارد و مفروضات بسیاری در مورد ارزش‌ها، ترجیحات و قضاوت‌های شهروندان مطرح می‌شود. همچنین فروض مختلفی در مورد اهداف و نتایج وجود دارد که یک اقتصاد کارآمد باید به دنبال آن باشد. این مفروضات اغلب صریح یا واضح بیان نمی‌شوند و غیرشفافند (Cooper et.al, 2006:81). شهروندان را قادر می‌سازد تا در مورد فروض مربوطه به آگاهی رسند، در مباحثاتی که دارند تأمل کنند، به تحقیق یا کشف ایده‌های جدید بپردازند، دیدگاه‌های مختلف را به اشتراک بگذارند و دیدگاه‌های خود را تکمیل و اصلاح کنند. بحث و گفتگوی آگاهانه به شهروندان کمک می‌کند تا موضوعات و حوزه‌های سیاستی پیچیده‌ای مانند مسائل مربوط به اقتصاد را با اعتماد و عاملیت بیشتر بررسی کنند و اعتبار بحث‌های شهروندان را در میان اقتصاددانان، سیاست‌گذاران و سهامداران تقویت می‌کند. نیز مشروعیت نهادهای دموکراتیک و نهادهای اقتصادی را می‌توان از طریق آوردن ارزش‌ها و نگرانی‌های عمومی به حوزه تصمیم‌گیری تقویت کرد (Fung, 2006:70-71). نظریه‌پردازان دموکراتیک استدلال کرده‌اند که تصمیمات زمانی مشروع و دموکراتیک هستند که مفروضات زیربنای آن‌ها به طور شفاف، مورد بحث و بررسی قرار گیرند. یک دموکراسی سالم نقش مهمی در ایجاد روابط قوی بین شهروندان و نهادها دارد. مشارکت، ظرفیت تقویت این روابط را دارد و در نتیجه امکان افزایش مسئولیت‌پذیری، افزایش اعتماد و ارتباطات بهتر را فراهم می‌کند (Shah, 2007:93).

شکل‌دادن به تصمیمات سیاستی بهتر و آگاهانه‌تر دیگر ثمره مهم اتخاذ رویکرد مشارکتی است. سیاست اقتصادی حوزه‌ای است که از طریق تصمیمات اتخاذشده توسط دولت‌ها تأثیر قابل توجهی بر زندگی روزمره شهروندان دارد. تصمیماتی که



پشت درهای بسته و با مشارکت اندک و بدون مشارکت عمومی گرفته می‌شوند، اغلب خود را در معرض بررسی و انتقاد شدید عمومی می‌بینند. چالش موازی برای سیاست‌گذاران به طور کلی و در اقتصاد به طور خاص، این است که چگونه شهروندان را در مراحل اولیه و بالادستی به طور مؤثر درگیر کنند تا آن‌ها بخشی از یک فرایند تکراری و مشورتی مشارکت عمومی باشند؛ یعنی حرکتی فراتر از مشاوره به سمت مدل‌هایی که با طیف وسیعی از ذینفعان درگیر هستند و بهره‌مندی از بینش منحصربه‌فرد آن‌ها (Patel and Gibbon, 2017:68).

انتظار این است که سیاست‌های عمومی و فرایندهای تصمیم‌گیری که از آغاز با ارزش‌ها و قضاوت‌های عمومی عجین شده‌اند و بیشتر با آن‌ها هماهنگ بوده‌اند، نسبت به آن‌هایی که چنین نبوده‌اند، کمتر با واکنش‌های منفی مواجه شوند. اگر نظام اقتصادی طوری باشد که با قاعده وسیعی از هرم اجتماعی ارتباط نداشته باشد به هنگام فشارهای اقتصادی، نظام اقتصادی مدافعین زیادی نخواهد داشت و دفاع اقتصادی باید توسط همان چند بازیگر خاص صورت گیرد. مشارکت مردم در اقتصاد موجب می‌شود که جبهه مقاومت اقتصادی بسیار قوی‌تر و در پشت صحنه اقتصاد حامیان بسیار متکثری وجود داشته باشد (حسینی و سلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۳۲). قرار دادن مردم در قلب سیاست‌گذاری اقتصادی از طریق دریافت دیدگاه‌های متنوع و درک تجربیات زیسته آنان و فراهم‌سازی امکان تصمیم‌گیری برای ایشان منتهی به این می‌گردد که حکومت عواقب هر گزینه برای عمل را از منظر شهروندان بسنجد. این موضوع به‌ویژه در میان افرادی که فقر را تجربه می‌کنند، مزایای خاصی دارد و امکان عملیاتی‌تر شدن حقوق اقتصادی شهروندی را میان طبقات کم‌برخوردار و غیربرخوردار طبق سازکارهایی مشارکتی‌تر فراهم می‌سازد. نتیجه این مشارکت شکل‌گیری یک اقتصاد شهروند-محور یا دموکراسی اقتصادی خواهد بود. در این شکل از دموکراسی، در برخی موارد، مشارکت منجر به اجماع یا یک مسیر توافق شده برای تصمیم‌گیری می‌شود، اما در موارد دیگر نتیجه ممکن است صرفاً شامل درک وجوه اشتراک و همچنین یافتن نقاط اختلاف باشد.



۶. حدود مشارکت مردم در اقتصاد

گرچه رگه‌هایی از مشارکت مردم در اقتصاد عمومی در بسیاری از نظام‌های مردم‌سالار، از جمله در حوزه خصوصی‌سازی، بودجه‌ریزی مشارکتی، ایجاد بازار رقابتی و امثال آن دیده می‌شود، اما این میزان از مشارکت کافی نبوده و می‌بایست مشارکت در قالب‌های دیگر و در بخش‌های دیگر نیز امکان‌پذیر شود. البته این مشارکت می‌بایست در حد متعادل خود بوده به گونه‌ای که نه به اقتصاد و سیاست لطمه وارد کند و نه به صورت صوری و کاذب باشد بلکه باید واقعی و اثربخش باشد. چرا که از یک طرف اقتصاد بخش دولتی همانند اقتصاد شرکت‌های تجاری و یا کارگاه‌های تولیدی ساده نیست، بلکه دارای پیچیدگی خاص خود است. لذا نمی‌توان قائل به این بود که مشارکت مردم در اقتصاد به صورت کامل و جامع از مشورت گرفته تا مشارکت در همه زمینه‌ها باشد. چرا که بعضاً این مشارکت در صورتی که از حدود خود تجاوز کند به دلیل تخصصی و پیچیده بودن اقتصاد در بخش دولتی و تأثیر و تأثر متقابل اقتصاد دولتی از مسائل سیاسی و حتی بین‌المللی، نه تنها آثار و پیامدهای مطلوبی ایجاد نخواهد کرد، چه بسا ممکن است تبعات جبران‌ناپذیری نیز به دنبال داشته باشد. از طرف دیگر نباید به صورت صوری باشد. (علی‌بیگی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴) جیمز میجلی معتقد است که مشارکت مردم در دولت‌ها چهار نوع است و فقط یک نوع آن واقعی است؛ ۱. شیوه خدمت‌شمارکتی؛ که در آن حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تعارض پیدا کنند را نمی‌دهند ۲. شیوه مشارکت هدایت‌شده؛ که در آن دولت از مشارکت برای اجرای طرح‌های عمرانی، کنترل جنبش‌های اجتماعی و غیره در جهت استفاده ابزاری حمایت و هدایت می‌کند ۳. شیوه مشارکت فزاینده؛ در این شیوه دولت در برخورد با مشارکت شیوه‌ای دوگانه دارد؛ بدین توضیح که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت، ولی در مسیر تحقق پیشنهاد مشارکتی، اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد و ۴. شیوه مشارکت واقعی؛ در این شیوه دولت به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق سازکارها،



آموزش و تقویت اجتماعات و تدارک مواد و دیگر اشکال کمک، برای ورود مؤثر افراد در تمامی زمینه‌ها تلاش می‌کند (جیمز مجیلی به نقل از حبیبی و سعیدی، ۱۳۸۴: ۲۰-۱۵). به گفته شری ارنشتاین اقتصاد مشارکتی می‌بایست در قالب همکاری، قدرت تفویض شده و نظارت شهروندان مطرح شود و در واقع بیانگر توزیع قدرت شهروندان به واسطه مذاکره باشد و در غیر این صورت مشارکت کاذب بوده و یا صوری است (شری ارنشتاین به نقل از شبیانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۷-۲۲۰) بنابراین مشارکت مردم تا جایی که امکان دارد می‌بایست به صورت مشورتی-مشارکتی باشد، اما نه تا حدی که به امور عمومی لطمه وارد کند. لذا این مشارکت در درجه اول مشورتی بوده و در واقع مشورت‌هایی که میان شهروندان مطرح شده و پیش‌نیازی برای عملکردهای مشروع مقامات به حساب می‌آید و به عنوان روشی اولویت‌بندی شهروندان را مشخص می‌سازد (عامری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۳) و در ثانی در اموری که عموم مردم قادر به اظهارنظر در خصوص آن هستند و بخصوص مسائل محلی و مسائل ساده ملی می‌بایست شهروندان بتوانند تصمیم‌گیر باشند که در این موارد می‌بایست غالباً با احتیاط عمل کرد.

البته در این راه با محدودیت‌ها و چالش‌هایی روبرو هستیم. اولین چالش را شاید بتوان نقش‌آفرینان بخش خصوصی در این مشارکت دانست. آیا صرفاً شهروندان می‌بایست در این خصوص مشارکت داشته باشند یا سایر فعالان بخش خصوصی مانند شرکت‌های تجاری، پیمانکاران، انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و اصناف نیز می‌توانند نقش داشته باشند؟ به نظر می‌رسد با توجه به اینکه اداره اقتصاد سطح متوسط و کلان توسط شهروندان به تنهایی شدنی نیست و عمدتاً در قالب تشکیلات انجام می‌شود نمی‌توان نقش سایر فعالان اقتصادی را در این زمینه نادیده گرفت. (عامری و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۴-۸۷) مسئله دیگر اثربخشی تصمیمات شهروندان است. با توجه به اینکه مسائل اقتصادی عمدتاً تخصصی است، عوام مردم ممکن است در این زمینه اطلاع و آگاهی نداشته باشند و تصمیماتی اتخاذ نمایند که نه تنها مفید نباشد بلکه جامعه را از مسیر خود منحرف سازند. از طرف دیگر از آنجا که قائل به مشارکت مردم هستیم می‌بایست زمینه مشارکت مفید و مؤثر فراهم شود. اثربخشی مشارکت



زمانی است که سراغ مکانیسم‌ها و عوامل ارتقای آگاهی در جهت تسهیل مشارکت شهروندان در اقتصاد برویم. این مکانیسم‌ها عبارتند از؛ الف) تبادل اطلاعات و ب) تمهید ابزارهای مشارکت شهروندان. تبادل اطلاعات به عنوان اساس و پایه مشارکت عمومی محسوب می‌شود چرا که شرط مشارکت در اقتصاد ابزارهای آگاهی و درک از هدف برنامه یا سیاست توسط شهروندان است. آگاهی باید در تحرک شهروندان در مشارکت در فرایند برنامه‌ریزی کافی و اثربخش باشد. ابزارهای مشارکت شامل رأی‌گیری آگاهانه، برگزاری کارگاه‌ها و کنفرانس‌های مربوط به برنامه‌ریزی آینده، مشورت‌های (به ویژه آنلاین)، هیئت‌های متشکل از شهروندان و غیره است. در خصوص مشارکت و دخیل شدن شهروندان در امور اقتصادی ترجیح بر تشکیل هیئت‌های متشکل از نمایندگان انتخابی از بخش‌های مختلف که ذینفع هستند می‌باشد. (Chado & Johar, 2016; 185-186)

۷. مجامع شهروندی؛ مکانیسم مشارکت اقتصادی شهروندان

سازکارهای متعددی برای عملیاتی نمودن مشارکت شهروندان وجود دارد. از جمله این سازکارها تشکیل مجامع شهروندی با عناوین مختلف چون شورا، کمیته و پنل شهروندی است. دولت‌ها با سازمان‌دهی مجامع شهروندی اجازه ورود شهروندان به فرایند سیاست‌گذاری اقتصادی را می‌دهند (Youngmin&Jongsun, 2014:287) این نهادها غالباً در ادبیات دانشگاهی «مجامع کوچک مشورتی» نامیده می‌شوند. آن‌ها فقط یکی از وجوه دموکراسی مشارکتی هستند و دربردارنده شهروندانی هستند که اغلب به طور تصادفی انتخاب شده‌اند و مدت زمان قابل توجهی را صرف تهیه پیشنهادها و آگاهانه برای مقامات دولتی می‌کنند. بسیاری از محققین بر دو ویژگی و شاخص اصلی این مجامع تأکید می‌کنند: مشورت و نمایندگی (Chwalisz, 2019:2)

مجامع اقتصادی شهروندی از بارزترین مصادیقی است که با هدف ایجاد ظرفیت در شهروندان برای آگاهی و اعتماد به بیان دیدگاه‌ها در مورد اقتصاد و همچنین ایجاد تغییر در فرایندهایی که مسئولیت‌پذیری و ارتباط بیشتر بین تصمیم‌گیرندگان و



شهروندان در زمینه اقتصاد را فراهم می‌کند شکل می‌گیرند. تشکیل شورای اقتصادی شهروندی^۱ در انگلستان از بارزترین مصادیق مجامع شهروندی اقتصادی است که ضمن معرفی آن تلاش می‌گردد با شناسایی نقاط قوت آن به تبیین امکان الگوبرداری از آن در نظام حقوقی ایران پرداخته شود.

۸. انگلستان؛ شورای اقتصادی شهروندی

در سال ۲۰۱۶ انجمن سلطنتی تشویق هنرها، تولیدات و تجارت (ARS)^۲ شورای اقتصادی شهروندی را در انگلستان با این رویکرد تشکیل داد که اگر شهروندان به طور مؤثر در سیاست‌های اقتصادی شرکت می‌کنند، آگاهی بیشتری از مسائل اقتصادی به دست می‌آورند، قدرت بیشتری برای تأثیرگذاری بر اقتصاد پیدا می‌کنند و می‌توانند به تقویت کیفیت و مشروعیت سیاست‌گذاری کمک کنند. هدف از تشکیل این شورا گردآوردن شبکه گسترده‌ای از شهروندان، اقتصاددانان، سیاست‌گذاران، مشاغل و نهادهای جامعه مدنی است. انجمن معتقد است که هر فرد باید آزادی تحقق ایده‌های خود را داشته باشد که آن را حق خلق^۳ می‌نامد. این انجمن به دنبال تحقق جامعه‌ای است که در آن قدرت خلاق توزیع می‌شود و برای رسیدن به این هدف شورای اقتصادی شهروندی را تشکیل داد. منحصربه‌فرد بودن شورا در تمرکز بر کاوش در اولویت‌ها و ارزش‌های اقتصادی ملی و مشارکت‌دادن شهروندان در شکل‌دهی و حمایت از ایده‌های سیاست اقتصادی و تضمین این نکته است که اقتصاد برای همه قابل دسترس است (Patel and Gibbon, 2016: 2).

این شورا متشکل از ۵۰ تا ۶۰ شهروند، به عنوان شکلی نوآورانه از مشارکت عمومی در سیاست اقتصادی در مورد اقتصاد، نتایج آن و ایجاد خط‌مشی مشترک با سیاست‌گذاران بحث می‌کند. افرادی که برای شرکت در شورای اقتصادی شهروندان

1 Citizens' Economic Council

2. Royal society for the encouragement of Art, Manufacures and Commerce

3. Right to Create



انتخاب می‌شوند، با پیشینه‌های مختلف و با توجه به قومیت، سن، جنسیت و جایگاه اجتماعی انتخاب می‌شوند. در آغاز شکل‌گیری، انجمن سلطنتی یک آژانس جذب مشارکت‌کننده را مأمور کرد تا با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری، انتخاب اعضای شورا را انجام دهد (Patel and Gibbon, 2017: 11-13).

شورا پس از شکل‌گیری، با استفاده از یک پلتفرم آنلاین به جمع‌آوری ایده‌های عمومی در مورد چالش‌های اقتصادی می‌پردازد. روش شورا تعامل مستقیم با سیاست‌گذاران و اقتصاددانان، از طریق برنامه‌هایی چون جلسات حضوری و رویدادهای عمومی است. شورا کارگاه‌هایی را متشکل از گروه‌های محروم از نظر اقتصادی و اجتماعی در سراسر بریتانیا شکل می‌دهد تا اطمینان حاصل شود که صدای آن‌ها در مورد اقتصاد شنیده می‌شود. افراد بر اساس ویژگی‌های خاص برای حضور در این کارگاه‌ها انتخاب می‌شوند. برای مثال، افرادی انتخاب می‌شوند که تبعیض مستقیم یا غیرمستقیم را در نتیجه جنسیت، نژاد، جنسیت، ناتوانی، سن و/یا ویژگی‌های دیگر - که در قانون برابری ۲۰۱۰ به عنوان ویژگی‌های محافظت‌شده تعریف شده است - تجربه کرده‌اند. سایرین بر اساس محل سکونتشان در یک منطقه جغرافیایی خاص انتخاب می‌شوند که در شاخص‌های محرومیت چندگانه، رتبه بالایی دارند (Patel et.al, 2018, 33-34). پشتیبانی‌هایی نیز در این فرایند از شرکت‌کنندگان صورت می‌گیرد از جمله پشتیبانی از افراد ناتوان که نیاز به امکانات معمول دارند و مترجم برای کسانی که در صحبت کردن به زبان انگلیسی مشکل دارند. در طول هر یک از این کارگاه‌ها، موضوعات اقتصادی متفاوتی از طریق روش‌های مختلف مانند پنل‌های تخصصی، ویدئوها، رأی‌گیری الکترونیکی و... مورد بحث قرار می‌گیرد (Emili et.al, 2020:4).

در طی این جلسات، شورای اقتصاد شهروندان ایده‌های خود را در مورد هدف و برنامه‌های اقتصادی مورد بحث قرار داده و ارزش‌هایی را که باید در قلب اقتصاد آینده بریتانیا باشد در نظر می‌گیرد. مشارکت‌کنندگان با مفاهیم کلیدی اقتصادی و مکاتب فکری مختلف آشنا می‌شوند. همچنین جلساتی با نمایندگان نهادهای کلیدی



اقتصادی برگزار می‌شود و سؤالاتی توسط اعضای شورا از ایشان پرسیده می‌شود. از شورا برای انتشار یافته‌ها به صورت چاپی و یا آنلاین از طریق رسانه‌های اجتماعی حمایت می‌شود (Patel, 2017). در نهایت شورا پیشنهادهای خود در خصوص موضوع را به مقامات و نهادهای مسئول ارائه می‌دهد. در جایی که تصمیم نهایی از مسیر تعیین‌شده توسط شهروندان خارج می‌شود، صاحبان قدرت باید با توضیح منطق تصمیم خود و پاسخگویی به نتایج آن، رهبری و مدیریت باز و شفاف را نشان دهند (Patel et al, 2017: 76).

۹. زمینه‌های مشارکت شهروندان در نظام حقوقی ایران

امروزه مشارکت مردمی و به خصوص مشارکت در اقتصاد به عنوان کلید توسعه جوامع انسانی محسوب می‌شود. جامعه ایرانی نیز مستثنی از این قاعده نیست. به همین مناسبت برنامه ریزان در سطح سیاست‌های کلی، برنامه‌ها و اسناد چشم‌انداز و حتی قوانین همواره این موضوع را مدنظر قرار داده‌اند. چنان‌که سال ۱۴۰۳ «جهش تولید با مشارکت مردم» نامیده شده است. در اصلی کلی‌تر، اداره امور کشور با اتکا به مشارکت و آرای عمومی از اصول مهم و لایتغیر قانون اساسی است. نیز مطابق قانون اساسی، بهره‌گیری از مشارکت اقتصادی مردم و ایجاد زمینه‌های آن از جمله وظایف دولت است. قانون اساسی در این راستا با بیان «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» برای موضوع تأکید نموده است. (احمدی بنی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۸) این مشارکت نباید صرفاً به سرمایه‌گذاری مردم ختم شود، بلکه ضروری است همراهی و مشارکت مردم در تصمیمات و سیاست‌های کلان تا تصمیمات اقتصادی جزئی و محلی را دربرگیرد. چه بسا یکی از ابزارهای تشویق مردم به سرمایه‌گذاری و در کل مشارکت بخش خصوصی ایجاد شوراهای اقتصادی و مشارکت مردم در اتخاذ تصمیمات اقتصادی خواهد بود. بند (۱) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ به این مهم اشاره دارد؛ «تأمین شرایط فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت



آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاریهای جمعی و تأکید بر ارتقای درآمد و نقش طبقات کمدرآمد و متوسط» یکی از اهداف این سیاستها است. همچنین ماده ۵ لایحه برنامه هفتم توسعه اقتصادی به منظور مردمی‌سازی اقتصاد، به جلب مشارکت بخش خصوصی اشاره دارد. در بند الحاقی ۲ گفته شده که در راستای مردمی‌سازی اقتصاد، دولت مکلف است با استفاده از ظرفیتهای بخش خصوصی و تعاونی، حلقه‌های میانی، گروه‌های جهادی، سازمان‌های مردم‌نهاد و نیز با استفاده از ابزار بازار سرمایه، امکان مشارکت مردم را در فعالیتهای اقتصادی فراهم نماید.

چنانکه آشکاراست تأکید کلی در مفاد ذکرشده بر لزوم جلب مشارکت عموم است و وزارت امور اقتصاد و دارایی مکلف شده است آئین‌نامه مربوط را تنظیم نماید و به تصویب هیئت وزیران برساند. تکلیفی که تا کنون عملی نگردیده است؛ بنابراین هرچند که در اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی نظام به موضوع مشارکت اقتصادی مردم اشاره شده ولی لازم است با استفاده از ابزارهای نهادی و تنظیمی، خطمشی این آرمان یا سیاست کلی نظام که حضور و مشارکت مردم در عرصه اقتصادی است در لایه‌ها و ساختارهای دستگاه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی گسترانیده و نهادینه شود (حبیبی و باقری، ۱۳۹۶: ۹)

۱۰. سازکارهای تقویت شوراهای اقتصادی

با هدف بهره‌مندی از ظرفیت گسترده مجامع اقتصادی شهروندی در تدوین سیاست‌های اقتصادی کارا تر و نیز زمینه‌سازی بهتر برای تحقق حقوق اقتصادی افراد لازم است تمهیداتی اندیشیده شود تا نتیجه مطلوب در عمل حاصل گردد. اتخاذ این تدابیر می‌تواند به تقویت جایگاه قانونی این شوراها و اطمینان سیاستمداران به استفاده از نتایج آنها منتهی شود.

الف) تصویب منشور اقتصادی شهروندان؛ شاید بتوان گفت اولین گام جهت پیاده‌سازی شوراهای اقتصادی شهروندی، فراهم‌کردن زمینه اجرای آن است. در این خصوص اولین قدم تصویب منشور اقتصادی شهروندان است. این منشور باعث



ارتقای منزلت انسانی و پذیرش حق مشارکت مردم در سرنوشت اقتصادی‌شان خواهد شد. چه بسا همانند منشورهای دیگر موجب تحول سرنوشت ملت و ایجاد نظام حاکمیت قانون در عرصه اقتصاد گردد. گرچه مفاد منشورهایی از این نوع بیشتر اخلاقی است و ضمانت اجرای قوی ندارد اما اگر توسط قدرت مرکزی وضع گردد حداقل برای دستگاه‌های زیرمجموعه می‌تواند تکالیفی ایجاد کند و همچنین از نظر روانی نیز موجب آگاهی بخشی به شهروندان و ارتقای سطح آگاهی و حتی سطح مطالبات مردم خواهد شد. بر همین اساس است که شورای اقتصادی شهروندی در انگلیس در اولین گام بعد از تشکیل، اقدام به تصویب منشور اقتصادی شهروندان در سال ۲۰۱۶ نموده است. در منشور مسائلی مانند سهم مشارکت برابر شهروندان در اقتصاد مطابق با ابزارها و توانایی‌هایشان، کم کردن فاصله بین آن‌هایی که دسترسی به فرصت مشارکت دارند و آن‌هایی که ندارند، ارزشمند تلقی نمودن مشارکت هر شهروند و توجه به آن، داشتن استراتژی توسط تصمیم‌گیران اقتصادی، توانمندسازی شهروندان در زمینه اقتصاد، افزایش سطح آگاهی، دانش و مهارت شهروندان در زمینه اقتصاد و برگزاری کارگاه‌ها جهت ارتقای سطح آگاهی شهروندان و مسائلی از این قبیل مورد تأکید قرار گرفته است. (Patel & Gibbon, 2017:31)

ب) اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی؛ امروزه تقریباً تمامی امور عمومی و به ویژه امور اقتصادی جامعه دارای پیچیدگی بوده و نیازمند تخصص است و لذا صرف مشارکت شهروندان که عمدتاً تخصص چندانی در مسائل اقتصادی ندارند نه تنها ما را به هدف نخواهد رساند بلکه ممکن است ما را از هدف دور کند. برای رسیدن به نتایج مطلوب از مشارکت مردم در اقتصاد، افزایش آگاهی و اطلاعات ضروری است. آگاهی می‌بایست در دو سطح صورت گیرد. یکی آگاهی سطح سواد مردم برای اینکه بتوانند تصمیمات درستی اتخاذ نمایند و دیگری اطلاع‌رسانی از موضوع مشارکت. آگاهی باید در تحرک شهروندان در مشارکت و در فرایند برنامه‌ریزی کافی و اثربخش باشد. دادن اطلاعات به عنوان زیربنای مشارکت عمومی محسوب می‌شود، چرا که درک از هدف برنامه یا سیاست توسط شهروندان وابسته به آن است. جهت



ارتقای سطح سواد مردم دولت‌ها مکلف به برگزاری کارگاه‌های آموزشی چه به صورت آنلاین و چه حضوری هستند. همچنین باید از طریق ابزارهایی که در اختیار دارند عموم مردم و نیز ذینفعان را در خصوص نحوه، زمان و مکان مشارکت آگاه نمایند. (Chado& Johar, 2016: 185-186)

ج) اعطای جایگاه قانونی؛ شناسایی شوراهای اقتصادی شهروندی به معنای شناسایی و درج جایگاه قانونی آن‌ها در قوانین موضوعه و تعیین حدود اختیارات آنان اقدام عملی قابل توجهی در اثربخشی به آن‌ها خواهد بود. تعیین حدود و ثغور اثربخشی و لازم‌الاجرا بودن تصمیمات این شوراها به منظور کارا نمودن کارکرد آن‌ها ضروری است. به عنوان مثال ملزم نمودن ساختارهای دولتی نظیر وزارتخانه‌ها و بانک‌ها به بهره‌گیری از مشارکت شهروندان برای کسب ایده‌های آنان در جریان فعالیت این شوراها می‌تواند گامی در راستای تقویت نقش شهروندان تلقی شود. از جمله بانک مرکزی می‌تواند نظرات شوراهای اقتصادی را با هدف مشاوره به ادارات و کمیته‌های خود در مورد تصمیمات کلیدی اقتصادی اجرایی کند. وزارت امور اقتصادی نیز می‌تواند از این پنل‌های شهروندی در بزنگاه‌های مهم تعیین سیاست اقتصادی استفاده کند.

د) ایجاد مرکزی جهت تسهیل مشارکت و ارزیابی آثار آن؛ یکی از موانع اصلی فعالیت این شوراها، دشواری مشارکت عموم در تصمیم‌گیری است. ایجاد مرکزی تخصصی در جهت برداشتن موانع فعالیت شوراها که با فراهم آوردن شرایط لازم از طیف وسیعی از تکنیک‌های کسب آرای عمومی استفاده کند ضروری است تا سیاست‌گذاران بتوانند به بهترین نحو درک کنند که چه زمانی و در چه زمینه‌ای اشکال مشورتی درگیر کردن مردم مناسب‌تر است. تأسیس این مرکز باید کمک کند که فرایندهای مشارکتی شوراها انعطاف‌پذیرتر، مقرون‌به‌صرفه‌تر، با استفاده بهتر از پیشرفت‌های نوظهور در فناوری و با دسترسی آسان‌تر برای عموم و سیاست‌گذاران به طور یکسان، بدون به خطر انداختن کیفیت باشند. در این مراکز باید تدبیری اندیشیده شود که هزینه‌های مشارکت عمومی به عنوان یک مانع، حذف یا مدیریت



شود. این مرکز باید با مقامات دولتی برای تأمین منابع، مشاوره و اجرای آزمایشی مدل‌های مشارکت عمومی همکاری کند. این نهاد باید همچنین مسئول سنجش تأثیر فرایندهای مشارکت عمومی بر سواد و رفاه شهروندان، سنجش تأثیر چنین فرایندهایی بر مشروعیت و کیفیت سیاست‌گذاری باشد.

ه) الزام به پاسخگویی حکومت و نهادهای اقتصادی؛ مشارکت مؤثر شهروندان به همان اندازه که به فراهم بودن شرایط مشارکت شهروندان در فرایند بستگی دارد، به میزان پاسخگویی صاحبان قدرت و سیاست‌گذاران به فرایند مشارکت نیز بستگی دارد. پاسخگویی قوی بین شهروندان با نهادهای اقتصادی باید ایجاد شود. در سطح محلی، دولت‌های محلی باید در برابر اولویتهای مورد توافق محلی که توسط شهروندان ایجاد می‌شود، پاسخگو باشند. نهادهایی که تصمیمات اقتصادی می‌گیرند باید پاسخگویی قوی در قبال شهروندان داشته باشند و در صورت نادیده‌انگاری پیشنهادها، دلایل متقن رد آن‌ها را اعلام نمایند. مکانیسم‌هایی باید فراهم شود که از طریق آن شهروندان بتوانند حکومت را در قبال تصمیمات خود پاسخگو کنند. بدیهی است که چنین پاسخگویی مستلزم شفافیت است و شفافیت به معنای ارائه دسترسی عمومی به اطلاعات بدون فیلتر و از طریق کانال‌های متعدد و با استفاده از طیف گسترده‌ای از بسترها و قابل فهم بودن اطلاعات ارائه شده است.

۱۱. نتیجه‌گیری

دلایل زیادی وجود دارد که چرا اتخاذ رویکردهای دموکراتیک و مشورتی در مورد اقتصاد ضروری و ارزشمند است. علاوه بر شکل‌دهی تصمیم‌های اقتصادی بهتر و آگاهانه‌تر، تلاش‌های معنادار برای مشارکت دادن شهروندان در اقتصاد به سیاست‌گذاران و مجریان کمک می‌کند تا ارزش‌ها و نظرات شهروندان را در مورد اقتصاد کشف کنند، شفافیت در مورد اولویتهای اقتصادی را ارتقا بخشند و کیفیت دموکراسی را در عمل بهبود دهند. مشارکت ضعیف یا عدم مشارکت، در عوض، منتهی به چرخه‌ای معیوب از اقتصاد و شکل‌گیری جامعه‌ای می‌گردد که در آن تصمیم‌گیرندگان بیشتر و بیشتر از صداها و منافع کسانی که به آن‌ها خدمت می‌کنند دور می‌شوند. تشکیل شوراهای اقتصادی شهروندی سازکاری است که با هدف



تحقق مشارکت عمومی در اقتصاد در انگلستان طراحی گردیده است و استفاده از الگوی آن در دیگر کشورها و از جمله ایران می‌تواند پیامدهای مثبتی برای دموکراتیک‌سازی اقتصاد در پی داشته باشد. شناسایی جایگاه قانونی مجامع اقتصادی شهروندی در چهارچوب قوانین و مقررات، تعیین سازکارها و ضمانت‌هایی برای اجرایی و عملیاتی شدن پیشنهادهای آنان، سرمایه‌گذاری و ظرفیت‌سازی برای رفع موانع فعالیتشان و نیز شناسایی لزوم پاسخگویی سیاست‌گذاران و مراجع ذیصلاح به این مجامع در موارد رد پیشنهادهایشان منتهی به حداکثرسازی مشارکت عموم در اقتصاد می‌شود و دموکراسی اقتصادی را محقق می‌سازد.

۱۲. منابع

۱۲-۱. منابع فارسی

الف) کتب

۱. زمانی، هادی (۱۳۸۳). دموکراسی و توسعه اقتصادی پایدار، تجربه ایران و سوئد، تهران، انتشارات ارزن.
۲. شرفی، امید و صدرالله مولایی (۱۳۸۸). مشارکت مردمی، فقرزدایی و توسعه، مجموعه مقالات همایش توسعه مشارکت‌های مردمی، تهران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق.
۳. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۲). مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۴. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان.
۵. کاپوراسو، جیمزای و دیوید پی لوین (۱۳۸۷). نظریه‌های اقتصادی سیاسی، محمود عبدالله زاده، تهران، نشر ثالث.
۶. ب) مقالات
۷. احمدی بنی، رسول؛ فرامرز عطریان و سید محمدمهدی غمامی (۱۴۰۱).



«اصل مردم محوری با تأکید بر تعاونی‌ها در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۶۴-۴۸.

۸. بادینی، حسن و مصطفی کوشکی (۱۳۹۹). «دموکراسی اقتصادی در حقوق شرکت‌های تجاری از منظر مشارکت کارکنان در تصمیمات شرکت»، پژوهش‌نامه بازرگانی، دوره ۲۵، شماره ۹۷، صص ۲۸۳-۲۵۹.

۹. بردی‌آنامرادنژاد، رحیم؛ سیما بوذری و سودابه حسینی دوست (۱۳۹۲). «نقش مشارکت مردمی در اقتصاد و مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر آمل)»، فصل‌نامه اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۳۸.

۱۰. توتونچیان، مهری (۱۳۹۸). «جایگاه حقوق اقتصادی-اجتماعی در حقوق بشر اسلامی از منظر فقه»، مجله حقوق پزشکی، دوره ۱۳، صص ۷۱-۵۷.

۱۱. حبیبی، سیدمحسن و هادی سعیدی رضوانی (۱۳۸۴). «شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران»، هنرهای زیبا، دوره ۲۴، شماره ۱۰۱۰، صص ۱۵-۲۴.

۱۲. حبیبی، محسن و محسن باقری نصرآبادی (۱۳۹۶). «بررسی اولویت‌های نهادی برای رفع موانع کلیدی مشارکت مردم در جهاد اقتصادی»، مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۲۰، شماره ۷۴، صص ۵-۲۸.

۱۳. حسینی، سید حسن و محمد سلیمانی (۱۳۹۸). «الگوی مشارکت مردم در اقتصاد، با تأکید بر اندیشه امام خمینی»، معرفت اقتصاد اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۳۱-۱۵۰.

۱۴. حیدری حسین؛ رقیه علی نژاد و جواد جهانگیرزاده (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین دموکراسی و رشد اقتصادی؛ مطالعه موردی هشت کشور بزرگ اسلامی»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۰-۴۱.



۱۵. رنانی، محسن (۱۳۸۲)، «رابطه متقابل دموکراسی، آزادی اقتصادی و تأمین اجتماعی». فصل‌نامه تأمین اجتماعی، سال ۵، شماره ۴، صص ۷۰-۳۶.
 ۱۶. شفیعا، محمد علی و سیده اشرف موسوی لقمان (۱۳۹۳). «نقش مردم در پیشرفت اقتصادی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری»، فصل‌نامه اقتصاد اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۳۵-۶۲.
 ۱۷. شیبانی، ملیحه؛ بهراد رضوی الهاشم و کامل دلپسند (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران»، مطالعات شهری، دوره ۲، شماره ۴، صص ۲۴۰-۲۱۵.
 ۱۸. عامری، زهرا؛ احمد خسروی و محمدباقر مقدسی (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های بودجه‌ریزی شهری مشارکتی شایسته با نگاهی به نظام حقوقی ایران»، فصل‌نامه حقوق اداری، سال ۶، شماره ۱۹، صص ۹۶-۷۹.
 ۱۹. قربانی، عبدالعظیم؛ سلیمانی، محمد؛ رنجبران، رضا و علیرضا تاجه بند (۱۳۹۷). «اولویت‌بندی و تحلیل تعامل مؤلفه‌های اقتصاد مردم بنیاد بر پایه تلفیق روش‌های MADM فازی»، مطالعات راهبردی بسیج، سال ۲۱، شماره ۸۱، صص ۶۶-۳۹.
 ۲۰. همتی، مجتبی، (۱۳۸۶). «تحلیل مفهومی حقوق اقتصادی و اجتماعی در پرتو اسناد و موازین بین‌المللی حقوق بشر»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۱-۲۴۲، صص ۱۵۷-۱۴۶.
 ۲۱. علی بیگی، امیرحسین؛ گراوندی، شهیر و پرستو قبادی (۱۳۹۱). «بودجه‌بندی مشارکتی، ابزاری نوین در پژوهش‌های مدیریت روستایی»، همایش ملی توسعه روستایی، رشت.
- ۲-۱. منابع غیرفارسی



a. Books

22. Bouckaert, Luk and Arena, Pasquale (2010). *Respect and Economic Democracy*, Antwerpen: Garant.
23. Holmes, Christopher; Patel, Reema, Byford, Morwenna., Mesher, Kate., Fotiadis, Ioanna., Behailu, Adam. & Yaron Golan (2023). *The Citizen's Economic Council on the Cost of Living*, King's College London and Ipsos, London.
24. Shah, Anwar (2007). *Participatory Budgeting. Public Sector Governance and Accountability Series*, Washington, D. C :The World Bank publication.
25. Haas, Michael (2019). *Why Democracies Flounder and Fail*, USA :Palgrave Macmillan Cham.

B) Articles

26. Blackburn, Robin (2007). "Economic democracy, meaningful, desirable, feasible? *Daedalus*, Vol. 136, no. 3, pp. 36-45.
27. Chado, Jiman; Bte John & Foziah Johar (2016). "Public Participation efficiency in traditional cities of development countries: a prospective of urban development in Bida, Nigeria", *social and behavioral sciences*, no 219, pp. 185-192.
28. Cooper, Terry L.; Bryer, Thomas A. & Jack W. Meek (2006). "Citizen-Centered Collaborative Public Management", *Public Administration Review*, Vol 66, No 1, PP. 76-88.
29. Dharma, Setiawan Negara & Jened Rahmi (2012). "economic democracy value erroring through the establishment of Soe holdind", *migration letters*, vol. 21, no. pp. 4,355-367.
30. Fung, Archon (2006). "Varieties of Participation in Complex Governance", *Public Administration Review*, vol 66, pp. 66-75.
31. Youngmin, Oh & Park Jongsun (2014). "Citizen Participation and Economic Development Policy: Exploring



Impacts of Citizen Participation in Local Economic Development on Local Economic Prosperity and Equality”, *The Korean Journal of Local Government Studies*, Vol. 18, No. 2, pp. 285-300.

C) Reports

32. Patel, Reema and Gibbon, Kayshani (2017). “Citizens, Participation and the Economy”, Interim Report of the RSA Citizens' Economic Council, RSA, London.
33. Patel, Reema ; Gibbon, Kayshani and Warden, J. (2017).” On the Road: Findings from the RSA’s Economic Inclusion Roadshow”, London: RSA Action and Research Centre.
34. Patel, Reema; Gibbon, Kayshani. and Greenham, T. (2018).”Building a Public Culture of Economics”, Final Report of the RSA Citizens’ Economic Council, London: RSA.
35. Patel, Reema (2017). ‘Citizens, Participation and Economics – Emerging Findings from the Citizens’ Economic Council’, London: RSA.
36. Emili, S. ; Cannon, M. and Thorpe, J. (2020).”The RSA Citizens’ Economic Council: Citizen Contributions to Policy Making Highlights”, Case Summary No. 17, Brighton: IDS.

D) Thesis

37. So yoon, Chang (2011). **Fostering citizen participation though on innovative mechanisms in governance, policy and decision making’ comparing Washington DC and Seoul**, a dissertation presented in partial fulfillment of requirement for the degree doctor of philosophy Arizona state university, USA: Arizona State University.

E) Electronic references

38. Chwalisz, Claudia,”A New Wave of Deliberative Democracy, Carnegie Europe”, 2019, available in: <https://carnegieeurope.eu/2019/11/26/new-wave-of->



[deliberative-democracy-pub-80422](#)

39. Gaughey, Ewan, "economic democracy; a brief history and the laws that make it", 2023, Available at: <https://www.jbs.cam.ac.uk/wp-content/uploads/2024/09/cbrwp539.pdf>

In Persian:

Articles

40. Ahmadi Bani, Rasool; Atrian, Faramarz and Seyed Mohammad Mehdi Ghamami, (2022). The People-Centered Principle with Emphasis on Cooperatives in the General Policies of the Resistance Economy, Quarterly of New Approaches to Jihadi Management and Islamic Governance, 2(4), 64-48.
41. badini, H., & kooshki, M. (2020). Economic Democracy in the Companies Law from the Perspective of Workers' Rights. *Iranian Journal of Trade Studies*, 25(97), 258-288.
42. Bardi, Anamoradanezhad, Rahim, Boozari, Sima, Hosseini Dost, Sudabeh (2012), "The role of public participation in economy and urban management (case study: Amol city)", *Economy and Urban Management*, 1(3), 127-138.
43. Toutounchian M (2019). "The Status of Socio-Economic Rights in Islamic Human Rights from the Viewpoint of Islamic Jurisprudence". *Medical Law Journal*, 13 :57-71.
44. Habibi, Seyyed Mohsen, Saeedi Rizvani, Hadi (2004) "Participatory urban planning; A theoretical exploration in the conditions of Iran", *Honar-Haye-Ziba*, 24(1010), 15-24.
45. Habibi, Mohsen, Bagheri Nasrabadi, Mohsen (2016), "Investigation of institutional priorities to remove key obstacles to people's participation in economic jihad", *Basij Strategic Studies*, 20(74), 5-28.
46. Hosseini, Seyyed Hassan, Soleimani, Mohammad (2018), "Pattern of people's participation in the economy, with an emphasis on Imam Khomeini's thought", *Islamic Economics Knowledge*, 11(1), 131-150.



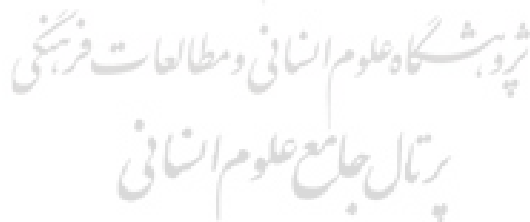
47. Heidari, H., Alinezhad, R., & Jahangirzadeh, J. (2014). An Investigation of Democracy and Economic Growth Nexus: A Case Study for D-8 Countries. *Economic Growth and Development Research*, 4(15), 41-60.
48. renani, M. (2004). Interrelationship between Democracy, Economic Freedom and Social Security. *Social Security Journal*, 5(4), 37-60.
49. Sharfi, Omid, Moulai, Sadrullah (2008), People's Participation, Poverty Alleviation and Development, Proceedings of the People's Participation Development Conference, Tehran: Research Center of Imam Sadegh University.
50. Shafia, Mohammad Ali and Mousavi Luqman, Sayeda Ashraf (2014), "The Role of People in Economic Progress in the Thoughts of the Leader of Iran", *Islamic Economics*, 13(51), 35-62.
51. Sheibani, Maliheh, Razavi Al-Hashem, Behrad, Delpasand, Kamel (2012), "Investigation of social factors affecting citizens' participation in the management of Tehran's urban affairs", *Urban Studies*, 2(4), 215-240.
52. Ameri, Zahra, Khosravi, Ahmad, Moghadasi, Mohammad Bagher (2019), Good Urban Participatory Budgeting instruction by Looking at the Legal System of Iran. *Administrative law*, 6 (19), 79-96.
53. Ali Beigi, Amir Hossein, Gravandi, Shahpar and Qobadi, Prasto (2013), "Participatory budgeting, a new tool in rural management research", Rasht: National Rural Development Conference.
54. Ghorbani, A., Soleimani, M., Ranjbaran, R., & Tajeh band, A. (2019). Prioritization and analysis of the interaction of the components of the people-oriented economy based on a combination of Fuzzy MADM methods. *Basij Strategic Studies*, 21(81), 39-66.
55. Hemti, Mojtaba, (2016), "Conceptual analysis of economic



and social rights in the light of international human rights documents and standards", Political Economic Information, No. 241-242, 157-146.

B) books

56. Zamani, Hadi, (2004), Democracy and Sustainable Economic Development, The Experience of Iran and Sweden, Tehran: Arzan Publications.
57. Toosi, Mohammad Ali, (1372), participation in management and ownership, Tehran: State Management Training Center.
58. Qazi Shariat Panahi, Abolfazl, (2013), Fundamental Rights Requirements, Tehran: Mizan Publishing.
59. Caporaso, James E., P. Levin, David (2007), Political Economic Theories, translator; Mahmoud Abdullahzadeh, Tehran: saless publication





Citizens' Economic Councils; a Tool for Popularizing the Economic Rights of Citizens (Looking the UK Experience)

Zahra Ameri^{1*}, Ahmad Khosravi²

1. Assistant Professor in Public Law, Faculty of Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran
2. Assistant Professor in Public Law, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran

Receive: 2024/05/22

Accept: 2024/08/01

Abstract

Those who are affected by the negative effects of economic decisions, are often those who have the least power and ability to influence it. According to the latest report of the Majlis (Parliament) Research Center in Iran, the percentage of the population below the absolute poverty line in the year 2021 was %30/4. While the two issues of poverty and the lack of participation of citizens in the economy are distinct, many believe that economic deprivation continues with the inability to access, influence and interact with the economy. In this article, which has been done in an analytical-descriptive method and using library resources, the authors have come to the conclusion that the democratization of the economy is one of the ways out of the vicious cycle of continuing poverty, and for this purpose, the formation of citizen economic councils and their objectification within the framework of the law can be effective. The formation of these councils can lead to strengthening the ability of citizens to influence national and local economic policies and strengthen the legitimacy and validity of economic policies. In order to make the activity of these councils efficient, it is necessary to have resources for empowering the councils, such as granting them political and legal rights, allocating budget and providing the social capacity needed to create broader consultative networks.

Keywords: Citizen Participation, Economic Democracy, Economic Participation, Citizen Economic Council

Corresponding Author: z.ameri@ub.ac.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی